

## تأثیر قواعد مبدأ بر جذب سرمایه گذاری خارجی

محمد حسن زارع، عضو هیأت علمی موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

### تعادل

یکی از محدودیتهای غیر تعرفه ای موثر بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی، قواعد مبدأ است. قواعد مبدأ در موافقتنامه های ترجیحی، تعیین کننده حداقل محتوای داخل منطقه ای یک محصول برای برخورداری از ترجیحات است. به شکل عام، قواعد مبدأ برای تعیین مبدأ یک کالا وارداتی به منظور اعمال محدودیتهای تجاری یا اعطای ترجیحات تجاری به کار می رود. در برخی موارد از تغییر طبقه بندی کالا در نظام هماهنگ تعرفه ای به عنوان معیار قواعد مبدأ استفاده می شود. در موارد دیگر از الزام حداقل محتوای داخلی محصول یا انجام فرآیندهای خاص از تولید در داخل منطقه یا کشور مورد نظر استفاده شده است.

قواعد مبدأ سخت گیرانه، به معنای محدودیت وارداتی بالاتر، ممکن است بر تصمیم بنگاه بر تغییر راهبرد از صادرات به سرمایه گذاری خارجی در کشور میزبان (یا وارد کننده) تاثیر بگذارد. الزام اتحادیه اروپا مبنی بر انجام یک فرایند مهم از تولید نیمه هادیها در داخل اتحادیه اروپا برای برخورداری از ترجیحات تجاری این اتحادیه باعث شد سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ساخت نیمه هادی ها در این اتحادیه، با وجود هزینه های بالاتر تولید در مقایسه با آمریکا و آسیا، در فاصله سالهای ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۰، ۲۰ درصد افزایش یابد. یکی از دلایل مهم گسترش سرمایه گذاری شرکت اینتل در اروپا، وجود ضوابط سخت گیرانه قواعد مبدأ بود. تصمیم شرکت ای تی تی برای جابجایی تولید از آسیا به مکزیک و تصمیم شرکت کانن به سرمایه گذاری در آمریکا با وجود هزینه های کمتر تولید در چین و مالزی به خاطر قواعد مبدأ ترجیحی نفتا در تولید تجهیزات مخابراتی و ماشینهای کپی بود.

گاهی قواعد مبدا ترجیحی بر سرمایه گذاری های خارج منطقه ترجیحی نیز تاثیر گذار است. به عنوان مثال جنرال موتورز که در مجارستان سرمایه گذاری کرده بود ناچار شد با وجود فولاد ارزانتر در داخل مجارستان، فولاد مورد نیاز خود را از آلمان وارد کند تا الزام ۶۰ درصد محتوای داخلی مربوط به قواعد مبدا موافقت نامه های همکاری اتحادیه اروپا با کشور های مرکزی و شرقی اروپا را رعایت کند چراکه در غیر این صورت صادرات این کشورها به اتحادیه اروپا مشمول ترجیحات این اتحادیه نمی شد. به زبان دیگر، قواعد مبدا ترجیحی می تواند بر ساختار و الگوی سرمایه گذاریهای خارج منطقه ترجیحی نیز تاثیر گذار باشد.

در مجموع تاثیر قواعد مبدا ترجیحی می تواند به حدی باشد که بنگاهها را متقاعد نماید با وجود هزینه های تولید بالاتر در منطقه تجارت ترجیحی، به طمع برخورداری از ترجیحات و اطمینان از رعایت الزامات قواعد مبدا به سرمایه گذاری مستقیم خارجی در داخل منطقه ترجیحی بپردازند. به زبان دیگر، قواعد مبدا انگیزه بنگاه را از کارایی طلبی به بازار طلبی تغییر می دهد چرا که در سرمایه گذاری کارایی طلب نیز هدف نهایی نهایتاً دستیابی بیشتر به بازار جهانی از طریق صادرات است و این می تواند از طریق دسترسی به بازار یک منطقه تجارت ترجیحی حاصل شود. قواعد مبدا سخت گیرانه یک مانع اساسی برای این هدف و سرمایه گذاری مستقیم خارجی بهترین راهکار برای برداشتن این مانع محسوب می شوند.